

تدریس مشارکتی: راهبرد آموزش به دانش آموزان دارای نیازهای ویژه

نویسنده: دیوید میتچل * ترجمه و تنظیم: آناهیتا خضری / کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی

چکیده

تدریس مشارکتی^۱ یکی از راهبردهای آموزشی موثر به دانش آموزان دارای نیازهای ویژه است. در این راهبرد از یادگیرندگان خواسته می شود به صورت گروهی کار کنند و معلم آنها را به شیوه های کار با هم هدایت، مشاهده و کنترل می کند. در مقاله حاضر ضمن توصیف این راهبرد آموزشی و نقش معلم در اجرای موفقیت آمیز آن در کلاس، به مخاطرات استفاده از تدریس مشارکتی در رابطه با دانش آموزان دارای نیازهای ویژه پرداخته می شود.

مقدمه

آزادی کامل برای یادگیرندگان نیست که هر کاری می خواهند انجام دهند و نیز به این معنی نیست که یادگیرندگان را کنار یکدیگر قرار داده و از آنها انتظار داشت یا به آنها اجازه داد که به صورت انفرادی کار کنند، بلکه نیازمند این است که آنها را به شیوه های کار با هم هدایت، مشاهده و کنترل کرد. در تدریس مشارکتی از یادگیرندگان انتظار می رود به صورت گروهی کار کنند و نه فقط در گروه ها. به بیان دیگر همه ی اعضای گروه باید برای رسیدن به هدف گروهی مشارکت کنند. این نیازمند وابستگی متقابل است که می تواند به یک یا چند شکل درآید:

- وابستگی متقابل به هدف: گروه دارای یک هدف منفرد است (مثلاً تکمیل پازل)

- وابستگی متقابل به پاداش: کل گروه برای رسیدن به هدف تشویق می شود (پاداش می تواند درونی باشد مثلاً وقتی پازل کامل شده است و یا بیرونی مثلاً وقتی گروه را بخاطر تکمیل کردن پازل تشویق می کنید)

- وابستگی متقابل به منبع: هر یک از اعضای گروه دارای منابع مختلفی (معلومات یا مواد) است که باید برای انجام دادن کار ترکیب شوند (برای نمونه هر عضو دارای قطعه ای است که با قطعات سایر اعضا برای ایجاد

معلمان کارآمد از ترکیبی از فعالیت های فردی و گروهی در کلاس استفاده می کنند. تدریس مشارکتی راهبرد موثری برای آموزش به دانش آموزان دارای نیازهای ویژه به خصوص گروه های ترکیبی از نظر توانایی هاست^۲. تدریس مشارکتی یکی از مناسب ترین راهبردها از لحاظ اقتصادی است. در کلاس های بزرگ نظیر کلاس های درس بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تدریس مشارکتی راهبرد اصلی برای کمک به یادگیری دانش آموزان است. استفاده از تدریس مشارکتی کمی شبیه به ایجاد کلاس های کوچک در دل کلاس بزرگ و استفاده از چند معلم بجای یک نفر است.

تعریف

در تدریس مشارکتی (که گاهی اوقات به آن یادگیری مشارکتی^۳ نیز گفته می شود) یادگیرندگان با یکدیگر در گروه های کوچک کار می کنند و به یکدیگر کمک می کنند تا وظایف فردی و گروهی شان را انجام دهند. وقتی یادگیرندگان بدون پشتیبانی و هدایت معلم کار می کنند در واقع معلم از صرف زمان بیشتر با افراد و گروه های کوچک خلاص می شود. با وجود این به معنی

با ارتقای ارزش های کمک کننده و اهمیت دهنده، تأثیر می گذارد و در نهایت به انسجام جامعه و احترام به تنوع کمک می کند.

ترکیب گروه ها در تدریس مشارکتی

در تدریس مشارکتی معمولاً گروه ها ۶ تا ۸ نفره است. در تصمیم گیری درباره ی ترکیب گروه ها در کلاس می توان بین گروه بندی بر اساس توانایی^۴ و گروه بندی ترکیبی از نظر توانایی ها، یکی را انتخاب کرد. اگر از گروه بندی بر اساس توانایی، زیاد استفاده شود، خطر نفی آموزش فراگیر را ایجاد می کند. دو حالت برای قرار دادن یادگیرندگان در گروه ها بر اساس توانایی وجود دارد: الف) گروه بندی بر اساس توانایی بین کلاس ها که گاهی اوقات به آن سطوح بندی گفته می شود و ب) گروه بندی بر اساس توانایی درون کلاس ها. اتکاء به گروه بندی بر اساس توانایی در هیچ یک از این حالات برای یادگیرندگان با نیازهای آموزشی ویژه به غیر از یادگیرندگانی با موفقیت زیاد توصیه نمی شود.

دلایل زیر نشان می دهد که چرا گروه بندی بر اساس توانایی برای یادگیرندگانی با موفقیت کم، زیان بخش است:

- تعیین شدن برای گروه های کم توان، انتظارات پایینی را برای یادگیرندگان بدنبال دارد که شاید معطوف به مقصود باشد.
- از آنجایی که گروه های بر اساس توانایی اغلب شامل گروه های قومی و طبقات اجتماعی موازی هستند، ممکن است اختلافات و دو دستگی ها را در کلاس افزایش دهد.
- گروه بندی بر اساس توانایی بین کلاس ها، فرصت یادگیرندگان را برای جابجایی بین کلاس ها

کل پازل متناسب می شود) - وابستگی متقابل به نقش: هر یک از اعضا گروه نقش خاصی دارند (مثلاً رهبر، گزارشگر، وقت نگه دار)

اجزاء تدریس مشارکتی

این راهبرد مطابق با نظر مدافعان تدریس مشارکتی، چهار جزء ضروری دارد:

- وابستگی متقابل: همه اعضا گروه به دنبال رسیدن به هدف گروهی و کمک به یکدیگر در رسیدن به آن هستند.
- مسوولیت فردی: هر عضو گروه مسوول یادگیری خودش است که به نوبت در رسیدن به هدف گروهی نیز مشارکت می کند.
- همکاری: یادگیرندگان با یکدیگر بحث، مساله گشایی و همکاری می کنند.
- ارزیابی: اعضای گروه، چگونگی کارشان با یکدیگر را بررسی و ارزیابی می کنند و در صورت نیاز تغییراتی را ایجاد می کنند.

مزایای تدریس مشارکتی

تدریس مشارکتی بر مبنای دو ایده اصلی درباره یادگیری قرار دارد. اول اینکه وقتی یادگیرندگان همکاری می کنند، تأثیر همیاری کننده بر جای می گذارد. به بیان دیگر یادگیرندگان در کار با هم می توانند اغلب به نتیجه ای برسند که بیشتر از جمع تاثیر یا توانایی فردی آنهاست. دوم اینکه بیشتر آگاهی و شناخت ما به لحاظ اجتماعی حاصل می شود، یعنی از دیگران در محیط های اولیه نظیر خانواده، گروه های دوستان و محیط های کاری، چیزهایی می آموزیم، بنابراین تدریس مشارکتی روش طبیعی آموزش و یادگیری است. علاوه بر این بر ویژگی های کلاس و مدرسه و یا فضای کلاس

سلطه طلب، پرخاشگر یا آشوبگر و یادگیرندگان غیرفعال (بی تحرک و بی علاقه) است. شیوه‌ای که در تعاملات معمول کلاسی برای کنار آمدن با این رفتارها بکار برده می‌شود بعنوان الگویی برای سایر یادگیرندگان عمل خواهد کرد. سناریوهای ایفای نقش با محوریت چنین رفتارهایی مفید است زیرا می‌تواند جهت انتخاب دوستان برای همکاری با دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه در گروه همراه باشد. همچنین باید در انتخاب اعضای گروه دقت زیادی کرد تا تضمین شود که یادگیرندگان با رفتارهای چالش‌انگیز را می‌توان سازگار کرد. لازم است گروه‌ها را دقیقاً مشاهده و کنترل کرد، جایی که یادگیرندگان مشکلات رفتاری از خود نشان می‌دهند و برای رفتارهای مناسب آنها بازخورد و تقویت مثبت ارائه داد. آموزش صریح مهارت‌های اجتماعی نیز ممکن است لازم باشد.

مثالی از اجرای تدریس مشارکتی

برای نمونه در هنگام آموزش حیوانات باغ وحش، معلم می‌تواند کار تکمیل دیوارنگاره را برای قرار دادن روی دیوار کلاس به گروه‌ها محول کرده، هر یک از یادگیرندگان از جمله دانش‌آموزان با نیازهای خاص آموزشی را مسوول کشیدن یا رنگ آمیزی یک حیوان کند و در گروه، درباره‌ی چگونگی قرارگیری حیوانات و منظره بحث شود.

مخاطرات

استفاده از راهبرد تدریس مشارکتی در رابطه با یادگیرندگان دارای نیازهای آموزشی ویژه سه مخاطره اصلی را به همراه دارد: این یادگیرندگان در گروه ممکن است مورد بی‌توجهی قرار بگیرند، به طور جدی کنار گذاشته شوند یا خیلی به آنها کمک شود. برای

کاهش می‌دهد.

- یادگیرندگان با موفقیت کم وقتی در گروه‌های بر اساس توانایی قرار می‌گیرند نسبت به زمانی که در گروه‌های ترکیبی از نظر توانایی قرار می‌گیرند تمایل به دریافت راهنمایی کمتری دارند.

- گروه‌های بر اساس توانایی که شامل یادگیرندگانی با موفقیت کم است، محیط یادگیری برانگیزنده‌ای را فراهم نمی‌آورند.

نقش معلم در تدریس مشارکتی

معلم باید برای اجرای یادگیری مشارکتی موفقیت-آمیز در کلاس سه عامل اصلی زیر را در نظر داشته باشد:

۱- طراحی تکالیف گروهی مناسب: فعالیت‌هایی طراحی شود که برای تمامی اعضای گروه مناسب است، این امر به خصوص برای افرادی که نیازهای آموزشی ویژه دارند بسیار مهم است. در کار با گروه‌ها، باید تکالیف را به نحوی طراحی کرد که همه‌ی اعضا بتوانند در انجام آن سهمی داشته باشند.

۲- آموزش مهارت‌های گروهی: مهارت‌های گروهی شامل گوش کردن، برقراری تماس چشمی، به خوبی ارتباط برقرار کردن، پرسیدن سوال، رهبری و هدایت، جلب اعتماد، تصمیم گرفتن، مهار مشاجره‌ها، تشویق کردن، قبول همکاری و تشریک مساعی، درک نظرات سایرین و از همه مهمتر احترام به تفاوت‌های فردی است. ایفای نقش در اینجا می‌تواند شیوه مهمی برای ارتقای مهارت‌های گروهی باشد طوری که سناریوهای مختلفی را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد.

۳- حل کردن مشکلات حاصل به طور مؤثر: احتمالاً دشوارترین مشکلاتی که ممکن است در گروه‌ها اتفاق بیفتد چالش‌های رفتار کردن با یادگیرندگان گوشه‌گیر،

پژوهش اخیر که نشان داد سه راهبرد مورد استفاده در رابطه با دانش آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری منجر به بیشترین میزان یادگیری دانش آموز در تمامی موضوعات شده است، نکته اخیر را تقویت و پشتیبانی می‌کند. این سه راهبرد عبارت بودند از: کنترل دشواری تکالیف، بررسی پاسخ مستقیم و استفاده از گروه‌های تعاملی کوچک.

۴- در نظام آموزشی برخی کشورها، یادگیری مشارکتی نشانه تغییر اصلی در رویکرد آموزشی است. در این صورت معلم باید فلسفه اصلی آنرا با مدیر و والدین دانش آموزانشان مورد بحث و بررسی قرار دهد تا هر گونه اضطراب و نگرانی را از بین ببرد و پشتیبانی آنها را بدست آورد، همچنین باید در این باره با دانش آموزان صحبت کند.

نتیجه گیری

با وجود چند استثنا، شواهد پژوهشی به وضوح استفاده از تدریس مشارکتی را برای ارتقای موفقیت تحصیلی و رشد اجتماعی تمامی یادگیرندگان از جمله دانش آموزان دارای نیازهای ویژه پشتیبانی می‌کند. به عبارت دیگر کار معلم با مهارت‌ها و اشتیاق همه یادگیرندگان در کلاس تکمیل می‌شود.

برطرف کردن این مخاطرات معلم باید نکات زیر را در نظر داشته باشد:

۱- در انتخاب اعضای گروه‌هایی که شامل یادگیرندگان دارای نیازهای آموزشی ویژه به خصوص دانش آموزان با اختلالات هیجانی و رفتاری است دقت شود.

۲- نمی‌توان انتظار داشت تمامی یادگیرندگان در یک گروه به یکدیگر احترام بگذارند یا در فعالیت‌های جمعی مشارکت کاملی داشته باشند. بنابراین لازم است مهارت‌های گروهی را آموزش داد و استفاده از آنها را به دقت مشاهده و کنترل کرد، به خصوص در مراحل اولیه و در رابطه با یادگیرندگان دارای نیازهای آموزشی ویژه. اما نباید خیلی مداخله کرد تا مبدا این عقیده را که از یادگیرندگان انتظار می‌رود به یکدیگر کمک کنند را تکذیب کرد. همچنین اگر یادگیری مشارکتی راهبرد جدیدی برای معلم است ابتدا باید با تکالیف ساده شروع کند و به تدریج همچنانکه مهارت کار جمعی در گروه‌ها ارتقاء می‌یابد، به تکالیف پیچیده‌تر بپردازد.

۳- معلم ممکن است به راهبرد تدریس مشارکتی بجای استفاده از سایر راهبردهای آموزشی خیلی تکیه کند. در حقیقت این یکی از راهبردهایی است که باید استفاده شود گو اینکه راهبرد مهمی است. نتایج حاصل از

زیر نویس‌ها:

- 1-cooperative group teaching
- 2- mixed-ability group
- 3- cooperative learning
- 4-ability grouping

منبع:

MITCHEL D.(2008). *What Really Works in Special and Inclusive Education*.pp:43-50